



زندگینامه محمدامین ریاحی:

محمدامین ریاحی در یازدهم خرداد ۱۳۰۲ در خوی در یکی از خاندان‌های قدیمی این شهر متولد شد. دوره‌های تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در خوی گذراند. پس از آغاز جنگ جهانی دوم و اشغال آذربایجان توسط نیروهای خارجی، در سال ۱۳۲۱ برای ادامه تحصیل به تهران رفت و دوره دانشسرای مقدماتی را گذراند. سپس به ادامه تحصیل در دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران پرداخت. طی دوره تحصیل در دانشکده ادبیات، از درس‌های نسل اول اساتید برجسته این دانشگاه از جمله بدیع الزمان فروزانفر، عباس اقبال آشتیانی، ملک‌الشعرا بهار، احمد بهمنیار، عبدالعظیم قریب و ابراهیم پورداود بهره گرفت. پس از آنکه در سال ۱۳۲۷ دوره لیسانس زبان و ادبیات فارسی را به پایان رساند، تحصیل در دوره دکتری را آغاز کرد. در سال ۱۳۳۷ پس از دفاع از رساله دکتری خود با موضوع «تحقیق و تصحیح مرصادالعباد نجم‌الدین رازی» به راهنمایی فروزانفر، درجه دکتری در زبان و ادبیات فارسی گرفت. به نوشته محمدعلی اسلامی ندوشن، وی «یکی از آخرین کسان از نسل ادبای معتبر بود... که طی شصت سال در صحنه فرهنگ ایران حضور داشت و هرچه نوشت دقیق و قابل اعتماد بود..»

محمدامین ریاحی از سال ۱۳۲۷ که آغاز کار او در فرهنگ بود، دبیر و رئیس دبیرستانهایی در قم، گرگان، قزوین و تهران، رئیس دانشسرای گرگان (از ۱۳۳۰) و استاد دانشگاه تهران (تا ۱۳۵۷) بوده‌است. او از ۱۳۳۵ به مدت پنج سال عضو هیئت مؤلفان لغت‌نامه دهخدا بود. از سال ۱۳۲۷ عضو هیأت مدیره جامعه لیسانسیه‌های دانشسرای عالی بود. در ابتدای سال ۱۳۴۰ عهده‌دار مدیرکلی وزارت فرهنگ شد، و در مدت سه سال در پرتو تجربه‌هایی که طی سال‌های تدریس دبیرستانی از وضعیت نابسامان کتاب‌های درسی داشت، طرح سامان‌دهی و یکنواخت‌سازی کتاب‌های درسی دبیرستانی را به اجرا درآورد. هدف این طرح، خارج ساختن کتاب‌های درسی از میدان رقابت ناسالم ناشران و مؤلفان، قرار دادن کار تألیف و چاپ کتاب‌های درسی دبیرستانی در اختیار وزارت فرهنگ، و انتشار کتاب‌های درسی دبیرستانی با کیفیت مناسب بود. طرح کتاب‌های درسی با وجود مخالفت‌ها و دخالت‌های گسترده ناشران و مؤلفان ذینفع در تهیه و چاپ کتاب‌های درسی، طی چند مرحله به اجرا درآمد، و نهایتاً در سال

۱۳۴۲ با تأسیس سازمان کتاب‌های درسی وابسته به وزارت فرهنگ (بعداً وزارت آموزش و پرورش) برای تالیف کتاب‌های درسی جدید، موجبات ارتقای کیفیت آموزش دبیرستانی را فراهم آورد. محمدامین ریاحی ضمن چند مقاله در ماهنامه آموزش و پرورش (سال ۱۳۴۲) و نیز در مقاله‌ای با عنوان ماجرای کتاب‌های درسی (۱۳۷۷) شرحی از اقدامات خود در وزارت فرهنگ را در آن دوره آورده‌است.

محمدامین ریاحی طی سال‌های بعد عهده‌دار چندین سمت فرهنگی از جمله رایزنی فرهنگی ایران در کشور ترکیه و تدریس در دانشگاه آنکارا (از ۱۳۴۲)، دبیرکلی هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور (از ۱۳۵۰)، نیابت ریاست ایران، ریاست بنیاد شاهنامه فردوسی (از ۱۳۵۴)، ریاست دانشکده هنرهای دراماتیک، مشاور وزیر فرهنگ و هنر، و وزارت آموزش و پرورش (۱۳۵۷) بود.

در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۴ مسئولیت کتابخانه‌های عمومی کشور را به عهده داشت. در این دوره، به نوسازی ساختار کتابخانه‌های عمومی کشور پرداخت، و طرح‌های مربوط به احداث سیصد کتابخانه عمومی جدید را در مناطق مختلف کشور آغاز کرد. از دیگر اقدام‌های ماندگار مدیریت او در آن دوره، تهیه و اجرای طرح حمایت از مؤلفان و ناشران توسط نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور بوده‌است که در چارچوب آن کتاب‌های جدید ناشران برای کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور خریداری می‌شود.

محمدامین ریاحی در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۸ در ۸۶ سالگی در تهران درگذشت.

ارزیابی آثار و پژوهش‌ها

از مشهورترین تألیفات محمدامین ریاحی می‌توان به «سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی»، «گلگشت در شعر و اندیشه حافظ»، «تاریخ خوی» و «زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی» اشاره کرد که از نظر اصالت و دقت نظرهای ابرازشده مورد توجه ادب‌شناسان قرار داشته‌است. آثار محمدامین ریاحی در حوزه شناسایی و تصحیح متون کهن فارسی، و کوشش‌های او در این زمینه همچون مرصادالعباد، نزهةالمجالس، شش فصل علاوه بر آن که راهگشای پژوهندگان متون فارسی از نظر روش تحقیق و تصحیح بوده، با توجه به یافته‌های تحقیقی ارائه‌شده در مقدمه‌ها و تعلیقات همواره مورد استفاده و استناد پژوهشگران در حوزه‌های ادب و تاریخ و فرهنگ ایران قرار داشته‌است.

فصل مهمی از فعالیت‌های علمی و پژوهشی محمدامین ریاحی مربوط به شاهنامه و فردوسی بوده‌است. بنیاد شاهنامه فردوسی بنابر طرح پیشنهادی وی به وزارت فرهنگ و هنر تأسیس شد و او علاوه بر تهیه اساسنامه بنیاد شاهنامه، از ابتدای تشکیل بنیاد در سال ۱۳۵۰ عضویت در هیأت امنای آن را داشت. در سال ۱۳۵۴ جانشین مجتبی مینوی در سمت ریاست علمی بنیاد شد. از آن هنگام تا زمان توقف فعالیت در پایان سال ۱۳۵۷ فعالیت‌های بنیاد شاهنامه در زمینه گردآوری نسخه‌های خطی شاهنامه و ویرایش و انتشار بخش‌هایی از متن شاهنامه شتاب بیشتری یافت. در آبان ۱۳۵۶ به دعوت او نخستین مجمع علمی بحث در باره شاهنامه با حضور تعدادی از محققان برجسته در بندرعباس تشکیل شد که برگزیده‌ای از گفتارهای این مجمع تحت عنوان «شاهنامه‌شناسی» سال بعد منتشر شد. محمدامین ریاحی در سال ۱۳۶۹ موجبات تجدید چاپ شاهنامه ژول مول را که هنوز از ویرایش‌های معتبر شاهنامه به شمار می‌آمد فراهم آورد و مقدمه‌ای جامع بر آن نوشت. در مقاله «سال‌شماری زندگی فردوسی و سیر تدوین و تکمیل شاهنامه» که در سال ۱۳۷۱ انتشار یافت برپایه اشاره‌های موجود در متن‌های کهن به زندگی فردوسی و نیز با تکیه بر بیت‌هایی از شاهنامه سال‌شماری دقیقی از رویدادهای زندگی فردوسی تا آنجا که منابع امکان می‌داد فراهم آورد. چندی بعد در ۱۳۷۲ یکی از مهمترین آثار پژوهشی او «سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی، مجموعه نوشته‌های کهن درباره فردوسی، شاهنامه و نقد آنها» منتشر شد. در این اثر مرجع، وی با بررسی منابع قدیم فارسی آنچه را با زندگی فردوسی پیوند

دارد، همراه با بررسی انتقادی و به ترتیب تاریخی، آورده‌است. مقدمه جامع این کتاب که خود رساله‌ای در فردوسی‌شناسی است، پرتوهای تازه‌ای بر زندگی فردوسی می‌افکند و دربردارنده آگاهی‌های بسیاری درباره آفریننده شاهنامه‌است. اما مشهورترین کوشش ریاحی در راه شناخت شاهنامه و فردوسی، تألیف کتاب «فردوسی: زندگی، اندیشه و شعر او» است که اولین بار در ۱۳۷۵ انتشار یافته و به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران بهترین اثر عمومی در معرفی فردوسی و شاهنامه‌است.

از سال ۱۳۱۸ که اولین مقاله به قلم محمدمبین ریاحی در مجله ارمغان به چاپ رسید، طی بیش از شصت سال مقاله‌های پژوهشی او در نشریه‌های تحقیقی، و نیز در یادنامه‌های بزرگان ادب و فرهنگ ایران منتشر شد. گزیده‌ای از این مقاله‌ها با عنوان چهل گفتار در ادب و تاریخ و فرهنگ ایران در سال ۱۳۷۹ به چاپ رسید. از فعالیت‌های مطبوعاتی او سردبیری هفته‌نامه مهرگان (ارگان جامعه لسانسیه‌های دانشسرای عالی)، مدیریت هفته‌نامه کیهان فرهنگی (برای معلمان)، ماهنامه آموزش و پرورش (نشریه وزارت فرهنگ)، و فصلنامه سیمرغ (نشریه بنیاد شاهنامه) را می‌توان نام برد.

در سال ۱۳۳۷ محمدمبین ریاحی ضمن مقاله‌ای که در مجله یغما انتشار داد، مدفن فراموش‌شده شمس تبریزی را در شهر خوی بازشناسی کرد و طی تحقیقات بعدی با ارائه شواهد تاریخی قطعی، واقع بودن مدفن شمس تبریزی را در این محل به اثبات رساند. از آن پس مزار شمس تبریزی در خوی توسط غالب محققان شناخته شد، و بازسازی محوطه تاریخی مزار شمس تبریزی از دهه ۱۳۷۰ در دستور کار مسئولان قرار گرفت.

سال‌شمار زندگی

- محمدمبین ریاحی در یازدهم خرداد ۱۳۰۲ در شهر خوی متولد شد.
- تحصیلات ابتدایی را در دبستان خسروی و دوره اول دبیرستان را در دبیرستان خسروی خوی گذراند.
- نخستین مقالات تحقیقی او در مجله ارمغان (سال بیست و یکم ۱۳۱۸) انتشار یافت.
- در مهر ۱۳۲۱ برای تحصیل در دانشسرای مقدماتی از خوی به تهران رفت و در خرداد ۱۳۲۳ دوره دوساله دانشسرا را به پایان رساند.
- از مهر ۱۳۲۳ تا خرداد ۱۳۲۷ در دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی در تهران تحصیل کرد و به دریافت دانشنامه‌های زبان و ادبیات فارسی، و علوم تربیتی نایل گردید.
- از مهر ۱۳۲۷ به تحصیل در دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی پرداخت.
- از مهر ۱۳۲۷ تا آذر ۱۳۳۲ دبیری دبیرستان حکیم نظامی قم، دبیری و سرپرستی دانشسرای گرگان و دبیرستان ایرانشهر گرگان، و دبیری دبیرستان‌های قزوین را داشت.
- از آذر ۱۳۳۲ دبیر دبیرستان‌های تهران و از مهر ۱۳۳۳ رئیس دبیرستان محمد قزوینی تهران بود.
- در مهر ۱۳۳۴ به عضویت کمیسیون قوانین در وزارت فرهنگ انتخاب شد.
- در نیمه دوم سال ۱۳۳۴ هفته‌نامه کیهان فرهنگی (برای معلمان) را بنیاد نهاد که انتشار آن در خرداد ۱۳۳۵ متوقف شد.
- در شهریور ۱۳۳۷ از پایان‌نامه دکتری (تصحیح مرصادالعباد نجم‌الدین رازی به راهنمایی بدیع‌الزمان فروزانفر) دفاع کرد و درجه دکتری در زبان و ادبیات فارسی یافت.
- از خرداد ۱۳۳۵ تا خرداد ۱۳۴۰ به دعوت محمد معین با سازمان لغت‌نامه دهخدا همکاری داشت و تألیف و تدوین بخشی از حرف سین را انجام داد.
- از مهر ۱۳۳۵ تا خرداد ۱۳۴۰ دبیری دبیرستان هدف را داشت.
- از خرداد ۱۳۴۰ تا دی ۱۳۴۲ مدیر کل نگارش در وزارت فرهنگ (سابق) و نیز مشاور وزیر و قائم‌مقام وزیر فرهنگ در شوراها بود.

- از بهمن ۱۳۴۲ تا بهمن ۱۳۴۷ با درجه وزیرمختاری رایزن فرهنگی ایران در ترکیه بود.
- طی دوره رایزنی فرهنگی در ترکیه به دعوت دانشگاه آنکارا به تدریس ادبیات فارسی و تاریخ و فرهنگ ایران اشتغال داشت.
- از مهر ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۰ در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در گروه‌های ادبیات فارسی و تاریخ تدریس می‌کرد.
- از ابتدای سال ۱۳۴۸ مشاور وزیر فرهنگ و هنر بود.
- از مهر ۱۳۵۰ عضویت هیأت امنای بنیاد شاهنامه فردوسی را داشت.
- از اسفند ۱۳۵۰ تا خرداد ۱۳۵۴ دبیرکلی هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور را به عهده داشت.
- از مهر ۱۳۵۴ تا بهمن ۱۳۵۵ نایبرئیس فرهنگستان ادب و هنر ایران بود.
- از بهمن ۱۳۵۴ تا دی ۱۳۵۷ سرپرستی و ریاست بنیاد شاهنامه فردوسی را به عهده داشت.
- از ۱۳۵۵ در دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران تدریس می‌کرد.
- از بهمن ۱۳۵۵ تا اسفند ۱۳۵۶ سرپرست دانشکده هنرهای دراماتیک بود.
- از دی ۱۳۵۷ تا بهمن ۱۳۵۷ وزارت آموزش و پرورش را به عهده داشت.
- در بهمن ۱۳۵۷ پس از سی سال خدمت دولتی به تقاضای خود بازنشسته شد.
- از آن زمان از هرگونه همکاری با موسسات، نهادها و یا بنیادها خودداری کرد و تمام اوقات خود را وقف راهنمایی محققان، ادامه فعالیت‌های پژوهشی و تألیف و انتشار کتاب‌ها و مقالات در زمینه ادب و تاریخ و فرهنگ ایران کرد.

ادبیات و تاریخ ایران
 مدیریت آموزش و پرورش شهرستان خوی - آذرماه ۹۳